

، درس اول ادبیات عهد عتیق مقدمه دوره

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

بیاید کمی وقت بگذاریم و با هم دعا کنیم و سپس به کارهایی که باید برای این روز انجام دهیم، پردازیم.

اما بیاید اول دعا کنیم.

پدر آسمانی مهربان ما، همانطور که این ترم را با هم در این کلاس در این اتاق شروع می‌کنیم، و هر یک از ما مطالعه کلام تو را به اشتراک می‌گذاریم. دعا می‌کنیم که روح القدس تو واقعاً در قلب‌های ما کار کند، پروردگارا دعا می‌کنیم که ما را به خود نزدیک‌تر کنی. دعا می‌کنیم که درک عمیق‌تری از اینکه تو که هستی و چگونه در زندگی قوم خود به معنای واقعی کلمه برای هزاران سال کار کرده‌ای، داشته باشیم. اما همچنین، در زندگی قوم خود، امروز در قلب‌های ما کار کن. پدر ما، به ما بیاموز، وقتی به تشویق نیاز داریم ما را تشویق کن و وقتی به این چیزها نیاز داریم ما را به چالش بکش و توبیخ کن، و ما به نام مسیح، نجات‌دهنده ما، از تو تشکر خواهیم کرد. آمین.

خود را همانطور که در پایین این می‌گوییم پر کرده‌اید، لطفاً آن را نگه دارید زیرا احتمالاً ۵×۵ خب، اگر کارت ۳ فراموش می‌کنم که آنها را در پایان جمع کنم. معمولاً اینگونه پیش می‌رود. بیاید نگاهی به هدفمان برای امروز بیندازیم، اگر آن تکه کاغذ را جلویان دارید. روی آن نوشته شده است: «این‌نامه برای آن روز»، و من می‌خواهم آن را کمی بعد توضیح دهم. اما ما با خواندن مزمور ۸۶ آیات ۱۰ و ۱۱ شروع می‌کنیم. بنابراین اگر کتاب مقدس دارید، آوردن آن به کلاس کتاب مقدس ضرری ندارد. انجام این کار ایده هوشمندانه‌ای بود، و همانطور که خواهید فهمید، کتاب مقدس متن اصلی این کلاس خاص است. بنابراین، من شما را تشویق می‌کنم که به هر حال آن را همراه داشته باشید.

خواهید فهمید که، به خواست خدا، ما هر کلاس را با یک مزمور، بخشی از یک مزمور شروع خواهیم کرد، من عمیقاً به مزامیر اعتقاد دارم، مزامیر را می‌خوانم و مزامیر را می‌خوانم. در هر کلاسی که به خواست خدا شروع کنیم، یا یک مزمور می‌خوانیم یا می‌خوانیم، بنابراین در اینجا به مزمور ۸۶ و فقط بخشی از آن می‌رسیم. اجازه دهید با آیه ۱۰ شروع کنم، که در مورد خدا صحبت می‌کند. زیرا تو بزرگی و کارهای شگفت‌انگیز انجام می‌دهی تنها تو خدا هستی. آیه ۱۱ واقعاً نکته اصلی ما برای این کلاس است. راه خود را به من بیاموز. ای خداوند، و من در حقیقت تو گام خواهیم برداشت. به من قلبی یکپارچه بده، که به معنای واقعی کلمه به معنای قلبی با هم است. به من قلبی یکپارچه بده تا از نام تو بترسم. بیاید یک بار دیگر آن آیه ۱۱ را تکرار کنیم: ای خداوند، راه خود را به من بیاموز، و من در حقیقت تو گام خواهیم برداشت. به من قلبی یکپارچه بده تا از نام تو بترسم.

خب، یه جورایی اینو تو ذهنتون فرو کنید، راستی، ضرری نداره که بعضی از این چیزهایی که روشن کار می‌کنیم رو حفظ کنید، نه اینکه من هیچوقت بخوام شما رو امتحان کنم. اما ممکنه برای خودتون مفید باشن عبادات یعنی کار قوم خدا. اونایی از شما که از کلیساهای عبادی اومدین اینو می‌دونین، و بنابراین، وقتی در مورد انجام عبادات صحبت می‌کنید، این یه چیز بی‌روح و بی‌روح نیست که بخواید ازش دور بشید و دستاتون رو تکیه بدید و دست بزنید. عبادات یعنی شما کار می‌کنید، و ذهنتون کار می‌کنه، و من امیدوارم که نه تنها امروز این رو عبادات برای این روز می‌دونم، بلکه امیدوارم که در هر کلاسی که شرکت می‌کنیم، به کاری که الان انجام می‌دیم به عنوان عبادت فکر کنیم، امیدوارم قبلاً اینو شنیده باشید چون الان یه ترمه و بعضی‌هاتون حتی بیشتر از یه ترم تو گوردون بودید، اما مطالعه عبادته. مطالعه عبادته. در واقع، پیشنهاد می‌کنم، و از

استن گدی نقل قول می‌کنم. این فکر خودم به نقل از استن گدی نیست. روح القدس هیچ وقت به اندازه زمانی که ما از ذهنمان استفاده می‌کنیم فعال نیست. خوب، روح القدس هیچ وقت به اندازه زمانی که ما از ذهنمان استفاده می‌کنیم فعال نیست. این را هنگام مطالعه در نظر داشته باشید.

این نصیحت کوچک من است، و قرار است بارها و بارها در این کلاس تکرارش کنم: وقتی کتاب مقدس را باز می‌کنید تا تکلیف آن روزتان را انجام دهید، آن را به عنوان تکلیفی از جانب خدا، روح القدس، در نظر بگیرید، بسیار خوب، بگذارید او با شما صحبت کند، دعا کنید که زندگی عبادی شما را در جایی در اینجا نداشته باشد و بعد، اوه نه، من الان دارم پیدایش ۵ تا ۱۵ را مطالعه می‌کنم. همه اینها با هم کار می‌کنند. مطالعه و عبادت با هم هستند.

یک کلمه عبری بسیار جالب وجود دارد. آن آودا است. وقتی آن را می‌خوانید با آن روبرو خواهید شد. کتاب دکتر ویلسون می‌گوید که به معنای کار است، و همچنین به معنای عبادت است. بسیار خوب، آودا هم به معنای کار است و هم به معنای عبادت. کتاب مقدس عبری در اینجا مفهوم درستی دارد، همانطور که ما در حال فکر کردن به این چیزها هستیم.

بسیار خوب، پس ما برای این روز کمی مراسم مذهبی داریم. باید چند نکته عملی را بررسی کنیم و آنها روی برگه‌ای که جلوی شماست، هستند.

سپس ابتدا در مورد ماهیت عهد عتیق صحبت خواهیم کرد، اما بیایید کارهای عملی خودمان را انجام دهیم. برخی از مسائل مربوط به رویه‌های کلاس است و من به زودی دستیاران آموزشی خود را معرفی خواهم کرد. مت، پس نگران نباش. من از تو ناامید نشده‌ام. من تو را فراموش نکرده‌ام.

بسیار خوب، متوجه خواهی شد که من به شروع به موقع پایبند هستم. در واقع، من به طور وسواس‌گونه‌ای همیشه زود می‌رسم، مگر اینکه اتفاق وحشتناکی بیفتد، اما اگر لازم باشد با من صحبت کنید و دوست ندارید از جایتان بلند شوید و از طبقه سوم فراست عبور کنید، من به موقع شروع خواهم کرد. زود به اینجا بیایید زیرا من معمولاً حداقل 20 دقیقه قبل از زمان شروع کلاس اینجا خواهم بود. اگر چیزهایی هست که می‌خواهید در مورد آنها بحث کنید، من اینجا هستم تا این کار را انجام دهم، اما ما به موقع شروع خواهیم کرد.

ما با اطلاعیه‌ها شروع می‌کنیم، و اگر به موقع نباشید، ممکن است برخی از اطلاعیه‌های نسبتاً مهم را از دست بدهید، بنابراین سعی کنید به موقع اینجا باشید. من سعی می‌کنم خیلی سخت تلاش کنم تا نام شما را یاد بگیرم. خدا را شکر، فقط ۴۳ نفر از شما در این کلاس هستید. این خیلی بهتر از ۱۲۰ نفر من در بعضی کلاس‌ها خواهد بود، اما من تلاش خواهم کرد. به من کمک کنید چون شناختن شما در کلاس یک چیز است.

دیدن شما در لین چیز دیگری است. گاهی اوقات همه مردم شبیه هم هستند، متوجه این موضوع می‌شوید. پس فقط به من کمک کنید و خودتان را بارها و بارها معرفی کنید، و ما به آنجا خواهیم رسید.

اگر در حین صحبت من سوالی دارید، لطفاً از آنها بپرسید. من هم هر از گاهی از شما سوال خواهم پرسید. لطفاً در پرسیدن سوال راحت باشید زیرا این موضوع قرار است به این شکل برای شما زنده شود، همانطور که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم. بنابراین، سوالات کاملاً مرتب هستند. ممکن است از این فرصت استفاده کنم و مکالمه‌مان را تغییر مسیر دهم زیرا چیزهایی داریم که باید پوشش دهیم، اما ببینید آیا به سوالات شما پاسخ داده می‌شود یا خیر. همیشه ایمیل وجود دارد، و برخی انجمن‌های آزاد وجود دارد، و برنامه درسی شما همه چیز را در مورد انجمن‌های آزاد به شما خواهد گفت. اینها زمان‌هایی هستند که اختیاری هستند و در آنها فقط مکالمه را ادامه می‌دهیم. من این را نمی‌خواهم. احتمالاً حداقل شش بار این اتفاق خواهد افتاد.

هی تد. چطور می‌توانم برای همیشه از شر این خلاص شوم؟ من هم نمی‌دانم، در هر صورت، فقط کمی در مورد آداب کلاس درس، که احتمالاً لازم نیست بگویم، اما به هر حال برای احتیاط می‌گویم. وقتی فقط ۴۰ نفر در کلاس ۱۲۰ نفره هستند، اوضاع آنقدرها هم بد نیست، که داستان کمی متفاوت است. من شما را تشویق می‌کنم که لپ‌تاپ‌هایتان را به کلاس بیاورید چون قرار است بفهمید که تمام رئوس مطالب سخنرانی روی تخته سیاه است. آنها را از قبل دانلود کنید. آنها را با لپ‌تاپتان به کلاس بیاورید. این کار جذب مطالب را برای شما بسیار آسان‌تر می‌کند. شما می‌توانید کمی به آنها گوش دهید، به جای اینکه با عجله هر چیزی را که می‌گویم بنویسید. هر چیزی که روی پاورپوینت است، به طور کلی هر چیزی که روی پاورپوینت است، روی تخته سیاه است. در رئوس مطالب سخنرانی، آن را با لپ‌تاپتان بیاورید.

اما با این اوصاف، فقط تجربیاتم را برای شما می‌گویم. به جورایی خنده‌داره، می‌دونم، وقتی دارم در مورد یه چیز خیلی جدی صحبت می‌کنم، و یهو، توی ردیف عقب، پشت یه لپ‌تاپ، دو نفر از خنده منفجر می‌شن، دارم فکر می‌کنم چیزی که گفتم خیلی خنده‌دار نیست. حتماً یه چیز دیگه هم توی اون لپ‌تاپ هست. خب آداب لپ‌تاپ به همین سادگی اجرا می‌شه. لطفاً روی کلاس تمرکز کن. وقتی درس می‌دم، هر از گاهی می‌رم ببینم چی توی لپ‌تاپت هست یا انگشت شستت داره کار می‌کنه. آگه یه جایی توی کلاس به کسی پیامک بدی، آگه با نفر بغل دستی‌ات مکالمه داشته باشی، مطمئناً امیدوارم که به چیزی که سر کلاس داریم در موردش حرف می‌زنیم ربط داشته باشه. ممکنه ازت بپرسم، و بعدش باید بگی چی شده.

خیلی خب، یه چیزی اینجا داره کلیک می‌کنه. میکروفون اینه، خیلی داری اذیت میشی؟ اون فید، باشه، ۹۱۰ به بدی ساعت ۸ نیست.

اما بگذارید دو نصیحت به شما بکنم تا مطمئن شوید که بقیه ترم را با وفاداری اینجا هستید. اولی صحبت مادران است: زود بخواهید. به همین سادگی: زود بخواهید، برخلاف بقیه خوابگاه، باشه؟ حتماً به آن اشاره کنید. دوم، و این نصیحتی از یکی از دانشجویان سابقم حداقل ۱۵ سال پیش است که گفت، من یاد گرفتم که او گفت من این را فقط دو سوم ترم یاد گرفتم. او گفت که یاد گرفتم با یکی از اعضای کلاس قرار صحبتانه بگذارم و به این ترتیب، هر دو به موقع به کلاس رسیدیم. بنابراین، اگر این برای شما مفید است، از طرف کپرستن است.

بسیار خوب، بیایید کمی ادامه دهیم. ساعات اداری یا باید در آن برگه‌ای که به شما دادم ذکر شده باشند یا در برنامه درسی ذکر شده باشند، اما اجازه دهید در این مورد چند نکته را تأکید کنم. لطفاً توجه داشته باشید که من پنجشنبه‌ها در دانشگاه نیستم و ممکن است استثنائاتی در این مورد وجود داشته باشد. من سعی می‌کنم یک روز را خارج از دانشگاه برنامه‌ریزی کنم تا کمی کار انجام دهم. بنابراین، اگر پنجشنبه دنبال من می‌گردید، از طریق ایمیل با من تماس بگیرید. من ایمیل‌ها را می‌خوانم. دوم اینکه، ناهار در لین به این معنی است که هر زمان که بخواهید در طول وعده غذایی صحبت بیشتری داشته باشید، در دسترس هستم، فقط به من ایمیل بزنید، با من تماس بگیرید. می‌توانیم چیزی را تنظیم کنیم. من معمولاً آنجا ساعت کاری دارم. بعد از جلسه کلیسا در روزهای دوشنبه، چهارشنبه، جمعه است که من ترتیب این کار را دادم. بنابراین این هم همیشه یک گزینه است. من فقط به آنجا نمی‌روم و نمی‌نشینم و منتظر مردم نمی‌مانم. می‌دانید، این باید چیزی باشد که از قبل هماهنگ کرده باشیم.

باشه، مت، می‌دانم که باید بروی. پس مت، همان عقب نشستهام. خوب، متشکرم، مت و کری. خوب، از هر دوی شما متشکرم.

من از شما می‌خواهم که از جلسات مرور استفاده کنید، نه فقط جلسات قبل از امتحان. اگر این کار را به طور منظم انجام دهید، فقط یک روش دیگر برای مطالعه است. این یک ساعت اختصاصی است. این به شما

کمک زیادی خواهد کرد. بنابراین مطمئناً از وقت مت و کری استفاده کنید. باشه؟ تا اینجا در مورد این مطالب عملی که در مورد آنها صحبت کردیم سوالی دارید؟

بسیار خوب، بیایید با تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق ادامه دهیم. ضمناً این متنی که جلوی شما دارم، یک چیز بسیار جالب است. این تفسیری از کتاب حبقوق از همه چیز از طومارهای دریای مرده است. حالا می‌دانید که می‌توانیم زمان زیادی را صرف صحبت در مورد این موضوع کنیم. اما چیزی که می‌خواهم تأکید کنم این است که توجه داشته باشید که مردم آن زمان، و احتمالاً می‌دانید که این اواسط قرن دوم یا اول قبل از میلاد است. مردم آن زمان به مطالعه کتاب مقدس علاقه داشتند، حداقل آن جامعه خاص که داشتند، و آنها در مورد مزامیر یا تننیه یا اشعیا صحبت نمی‌کنند، احتمالاً همینطور بود، در واقع، ما تفسیری بر مزامیر و اشعیا داریم. اما آنها حتی مراقب هستند که از بین همه چیز، درباره حبقوق بحث کنند. بنابراین، این فقط برای شروع کار است، همچنین متوجه خواهید شد که من اغلب دوست دارم علاقه خود را با برخی سؤالات درگیر کنم.

همانطور که شروع می‌کنیم، در اینجا یک سؤال چند گزینه‌ای وجود دارد؛ در واقع، حدس بزنید چیست؟ این سؤالی است که ممکن است در اولین آزمون ببینید. چرا اسرائیل به عنوان میدان آزمایش ایمان نامیده می‌شود؟ این یک سؤال چند گزینه‌ای است. بیایید آنها را بررسی کنیم و ببینیم که اگر بتوانم اشاره‌گر خود را اینجا پیدا کنم، وقتی واقعاً مفید هستید، پاسخ درست چیست. گزینه اول: جایی بود که خدا تورات را داد، که خواستار اطاعت بود. شما باید این را یادداشت کنید. این فقط یک آزمون کوچک است. برای سه دقیقه آینده جلوی شما خواهد بود. گزینه دوم: بنی اسرائیل به دلیل منابع غنی و فراوانش به این سرزمین فراخوانده شدند تا ببینند آیا با وجود این همه منابع، همچنان خداوند را به یاد خواهند داشت یا خیر. مثل آن یکی، سه تا چطور؟ این سرزمین به طور ناپایداری روی پل زمینی بین حلقه‌های قدرت بزرگ و بهره‌وری کشاورزی اش قرار دارد و بنابراین، امنیت اقتصادی به میزان ناچیزی از بارندگی و شبنم وابسته است. این یک گزینه طولانی است. چهار، خوب، واقعاً یک میدان آزمایش ایمان نیست زیرا مکان‌های اصلی که ایمان بنی اسرائیل آزمایش شد، مصر و بابل بودند.

خب، گزینه‌ها را داریم. چه کسی گزینه اول را انتخاب می‌کند؟ شجاع و جسور باشید. خوب، حدود چهار نفر گزینه اول را انتخاب می‌کنند. چه کسی گزینه دوم را انتخاب می‌کند. خوب کمی بیشتر. به نظر می‌رسد هشت یا نه نفر یا چیزی شبیه به آن هستند. آیا کسی گزینه سوم را انتخاب می‌کند؟ اینجا سه، چهار، پنج. خوب. در مورد چهارم چطور؟ خوب، این به طور مساوی توزیع شده است.

چند نفر از شما رأی نمی‌دهید؟ بله، همیشه افرادی هستند که رأی نمی‌دهند. می‌فهمم. خوب، حدس بزن سه نفرمون چی داریم. سه نفرمون داریم. خوب، اینجا به خودت چند تا امتیاز بده. سه نفرمون داریم. حدود یک هفته دیگه، می‌فهمیم که چرا این به این شکل کار می‌کنه.

بسیار خوب، واقعاً در موقعیت ناپایداری قرار دارد. خدا تصمیم گرفت قوم خود را در موقعیتی قرار دهد که هم از نظر ژئوپلیتیکی آسیب‌پذیر و هم از نظر کشاورزی ناپایدار بود. بنابراین، این راهی خواهد بود که ایمان آنها آزمایش می‌شود. برکات و لعنت‌های عهد مستقیماً به زمین گره خورده‌اند. جالب است. بسیار خوب. خوب، این ما را تا حدودی به اینجا می‌رساند.

حالا، کاری که از شما می‌خواهم این است که دو دقیقه وقت بگذارید، رو به نفر کناری‌تان کنید و بگویید چرا اینجا هستید؟ می‌دانید، می‌تواند به همان اندازه بی‌مزه باشد که مثلاً بگویید، اوه، من باید این کلاس را بگیرم اما صحبت کنم. چرا اینجا هستید؟ با نفر کناری‌تان صحبت کنید. حالا، می‌دانید که می‌توانستید تقلب کنید و به اهداف پایین نگاه کنید. قرار است لحظه‌ای دیگر آنها را بررسی کنیم، اما قبل از انجام این کار، اجازه دهید توجه شما را به این مراسم مذهبی امروز جلب کنم. اگر مایل باشید، نه تنها شرح دوره، بلکه پاراگرافی که پس

از آن می‌آید را نیز بخوانید، و منظوم توهین به هوش شما نیست، اما می‌خواهم این را برای شما بخوانم.

عهد اول و من قرار است لحظه‌ای دیگر در مورد عهد اول صحبت کنیم. تاریخ و تدریس عهد اول در زمینه پیشینه‌های فرهنگی، جغرافیایی و ادبی باستان‌شناسی خاور نزدیک، تاریخ تطبیقی ارائه می‌شود و ادبیات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آیا این تصور را دارید که این نوعی تلاش میان‌رشته‌ای است؟ ادبیات، باستان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و غیره و غیره.

تمام این‌ها به نحوه تفکر ما در مورد کاری که قرار است در سه ماه آینده انجام دهیم، کمک می‌کند. این به این معنی است که دروس اصلی برنامه درسی شما ضروری هستند، زیرا شما در زمینه وسیع‌تری فکر می‌کنید هرگز به این فکر نکنید که، اوه، من نمی‌توانم صبر کنم تا هسته اصلی را از سر راهتان بردارم. آیا این را گاهی اوقات در اطرافتان شنیده‌اید؟ هسته اصلی را از سر راهتان بردارید. این یک عبارت وحشتناک است، آن را از واژگان خود حذف کنید. برنامه درسی اصلی برای همه ما طراحی شده است تا بین رشته‌ای‌تر فکر کنیم. بسیار خوب.

این دوره شامل مطالعه مضامین کلیدی الهیاتی است که پایه عهد جدید و فرهنگ غرب هستند. امیدوارم از کلمه "الهیات" خوششان بیاید زیرا کاملاً با زندگی مرتبط است.

بسیار خوب، و در نهایت، آن پاراگراف دوم: آموزش در این دوره بر این اعتقاد استوار است که متن کتاب مقدس وحی از جانب خدای حاکم ماست که به رحمت خود برگزیده است تا خود را آشکار کند.

این یک جمله‌ی الهیاتی عمیق است. امیدوارم متوجه شده باشید. لطفاً از اینجا بیرون نروید و نگویید اوه، من الهیات نخوانده‌ام، اگر در حال مطالعه هستید، به هر حال، خواهید گفت که چه کسی با رحمت خود انتخاب کرده است که خود را به بشریت آشکار کند. از طریق فعالیت او در تاریخ از طریق کتاب مقدس، و به طور کلی در شخص عیسی مسیح. در هر یک از این روش‌های وحی، ما مداخله‌ی ماوراء طبیعی خدا را در نظم طبیعی که او هم خالق و هم نگهدارنده‌ی آن است، درک می‌کنیم.

بسیار خوب، خوب فکر کنید. امیدوارم این آخرین باری نباشد که به آن جمله‌ی خاص نگاه می‌کنید، زیرا در واقع نشان می‌دهد که قرار است چه کاری انجام دهیم. هر وقت آن را آنجا دیدید، فقط به من بگویید که باید آن را جابجا کنم. آیا فرصتی برای نگاه کردن به کالوین و هابز داشته‌اید؟ آیا می‌توانید آن را از آنجا ببینید؟ آیا نمی‌توانید آن را از آنجا ببینید؟ نمی‌توانم.

بسیار خوب، در رختخواب دراز کشیده‌ام، به این فکر می‌کنم که چه انسانی برای چه هدفی روی زمین قرار داده شده است؟ چرا ما اینجا هستیم؟ و پاسخ غذای ببر است. بسیار خوب، حالا چرا ما اینجا هستیم؟ خوب، اینها اهدافی هستند که سعی کردم به نوعی روی آنها کار کنم. اینها همان‌هایی هستند که روی برکه جلوی شما هستند. می‌دانید، این به نوعی آنها را به دسته‌های خاصی تقسیم می‌کند. امیدوارم که با هم، من با هم این دعا را می‌کنم، در واقع، این دعای من در ابتدا بود. این باعث افزایش عشق به خدا خواهد شد. اگر این اتفاق نمی‌افتد، لطفاً بیایید و با من صحبت کنید.

بسیار خوب، این فقط یک دوره دانشگاهی نیست که در آن بخوانید نمره ۴ بگیرید. بیایید عشق به خدا و قدردانی از وحی خدا در کتاب مقدس را افزایش دهیم. این موضوع با نزدیک شدن به بقیه زندگی‌تان بسیار مهم است، شاید شما از قبل این را بدانید. علاوه بر این، امیدوارم که مطالعات کتاب مقدس را با سایر رشته‌ها ادغام کنیم. من قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ام و شما امیدوارید که تا حدی شاهد وقوع آن باشید.

امیدوارم بتوانیم ایده‌هایی در مورد چگونگی زندگی کردن کنار هم بگذاریم.

اول از همه، مطالب بسیار بسیار کاربردی زیادی در عهد عتیق یا عهد اول وجود دارد. چیزهایی هست که به عدالت مربوط می‌شود و چیزهایی که به نحوه تعامل ما با یکدیگر مربوط می‌شود. ما در مورد این چیزها صحبت خواهیم کرد. و بنابراین، این [موضوع] باید راه‌هایی برای شکل دادن به اینکه ما چه کسی هستیم، چگونه در جامعه زندگی می‌کنیم، و به خصوص نحوه زندگی ما در جامعه در کالج گوردون، داشته باشد.

وقتی در مورد تورات اجتماعی و چیزهای دیگر صحبت می‌کنیم، در مورد برخی از این موارد صحبت خواهیم کرد. علاوه بر این، ممکن است متوجه شده باشید. اوه، ضمناً، باید سوالی را بپرسم که در ابتدا فراموش کردم بپرسم. چند نفر از شما کل عهد عتیق را تا انتها خوانده‌اید؟ این قابل توجه است. این قابل توجه است. من هفت نفر را اینجا شمردم. معمولاً در کلاس ۱۲۰ نفره من، هر چه که باشد، دو یا سه نفر هستند. بنابراین، متشکرم، و به خواندن ادامه دهید زیرا عهد اول همه چیز را در مورد چگونگی درک ما از زندگی، مسئولیت‌هایمان و انتخاب‌هایی که در این فرهنگ خاص انجام می‌دهیم، بیان می‌کند. همانطور که می‌دانید هر چه، مثلاً، بله، فرهنگ، و این یک جمله اساسی تلقی می‌شود. به خصوص اگر کلمه بله را با تأکید خاصی به انتهای آن اضافه کنید. چیزهای بیشتری برای گفتن وجود دارد، و البته چیزهای بیشتری برای گفتن وجود دارد.

این بدیهی است که برای عهد جدید اساسی است. به نقل قول از یه کتاب خیلی عالی دارم که تا به لحظه دیگه عنوانش رو می‌بینی، که فکر می‌کنم برای ما یه شروعی باشه برای اینکه چطور می‌خوایم در مورد پایه‌های عهد جدید فکر کنیم. بفرمایید: *توسعه عهد جدید، مضامین عهد عتیق*، محقق عالی، اف. اف. بروس، و بذارید اینو بخونم. راستی، روی بلک‌بورد هم پست شده، بنابراین لازم نیست همه اینا رو کورکورانه کپی کنید. روی بلک‌بورد پست شده، اما توجه کنید که اون در مورد اینکه عهد اول چقدر در عیسی حیاتیه چی می‌گه.

در عیسی، وعده تأیید شده. وعده چیه؟ به کی قول بده، این یه سوال بلاغی نیست. اسمت چیه؟ تو ترور هستی، باشه؟ منظورم اینه که، اگه این یه وعده برای ماست، همونیه که تأیید شده. یه وعده اولیه که خیلی وقت پیش اومده چطوره؟ قبلاً، خوبه، و می‌دونم، الان شروع کن به جویدن ناخن‌ها، نگران نباش، می‌دونی من عاشق اینم که مردم رو در موقعیت قرار بدم. اما شما می‌تونید همین کار را با من بکنید و از من سوال بپرسید. ممکن است بگویم نمی‌دانم.

اسمت رو بگو، جسی چلسی؛ فهمیدم، درسته؟ باشه، چلسی. آره، خوبه، این نقطه شروع. منظورم اینه که به آدم و حوا هم وعده‌هایی داده شده، اما من به طور خاص به عهد با ابراهیم فکر می‌کنم که بعدش به بقیه پدرسالارها و بعد قطعاً به اسرائیل هم تکرار شد. پس، یه عهد خوب تجدید شد. خب، این هم یه جورایی به ابراهیم مربوطه، مگه نه؟ ما حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد پیشگویی‌های عهد خواهیم داشت، خدای من، قراره کلی از این پیشگویی‌ها در عیسی وجود داشته باشه. پیشگویی‌های زیادی وجود داره که به انجام رسیدن، و شریعت اثبات شده.

به عبارت دیگر، شریعت قرار نیست تا این حد بدنام شود. در واقع، در روایات انجیل در مورد غسل تعمید عیسی چه آمده است؟ او آمد تا تمام عدالت را به کمال برساند. عیسی در واقع کسی خواهد بود که تورات را حفظ می‌کند. نجات به مقدار زیادی نزدیک می‌شود. ما می‌توانیم در مورد نجات نیز بگوییم، می‌دانید، ما اغلب وقتی از اصطلاح عیسی نجات می‌دهد استفاده می‌کنیم. عیسی منبع نجات من است. ما به آن خیلی سطحی فکر می‌کنیم، اما به تمام چیزهایی که از گناه، گناه و عواقب گناه نجات یافتند فکر کنید، و می‌توانید این جمله را بنویسید. اما همچنین به چیزهایی فکر کنید که ما را به یک رابطه جدید با خدا نجات می‌دهند، دیگر از خود بیگانگی، روابط جدید با یکدیگر، و می‌توانیم ادامه دهیم. نجات یک مفهوم غنی است. تاریخ مقدس به اوج خود رسیده است. قربانی کامل ارائه و پذیرفته شده است. شما تعجب خواهید کرد که چرا ما اینقدر وقت

خود را صرف مطالعه لاویان می‌کنیم تا بتوانیم بفهمیم عیسی چه کاری انجام داده است. سپس در رابطه با آن، کاهن اعظم بزرگ بر خانواده خدا، در دست راست خدا نشسته است.

این پایان ماجرا نیست. پیامبری مانند موسی برانگیخته شده است، پسر داوود سلطنت می‌کند و پادشاهی خدا آغاز شده است. چه مضامین شگفت‌انگیز و عمیقی اینجا وجود دارد، همه اینها بر عیسی متمرکز است، اما عیسی که آنها را همانطور که در عهد اول بیان شده است، به انجام می‌رساند. پسر انسان از قدیم الایام حکومت را دریافت کرده است. این شخصیت از کجا آمده است؟ کسی می‌داند؟ نام خود را به من بگویید. بله، نام خود را بگویید. بسیار خوب، کتاب دانیال. خوب، دانیال فصل ۷ که در آن این رؤیای قابل توجه را دارید که دانیال رؤیایی می‌بیند و قدیم الایام را می‌بیند که بر تخت سلطنت نشسته است.

این خداست، پسر انسان به حضور او می‌آید، و پسر انسان جلال، قدرت، سلطنت و غیره را بخشیده است. همه این چیزهایی که می‌گویند او الوهیت است. و البته، وقتی عیسی این نام را برای خود انتخاب می‌کند، مفاهیم بسیار جالبی را در بر دارد. این بنده خداوند مستقیماً از فصل ۵۳ کتاب اشعیا آمده است، که به خاطر گناه قومش کشته شد، گناه بسیاری را به دنیا آورد، هدف الهی را به انجام رساند، پس از رنج روحش نور را دید، و اکنون متعالی و سرافراز شده و بسیار والا شده است. انجیل درست در اشعیا ۵۳ به همراه بسیاری از جاهای دیگر آمده است.

بنابراین، دوباره، فقط در رابطه با یکی از اهداف ما، نوعی باز کردن چیزی است که وقتی می‌گوییم عیسی مرا از گناهانم نجات داده است، می‌گوییم. یک میراث الهیاتی فوق‌العاده در پس این گفته وجود دارد.

خب، فقط چند نکته برای اینکه این موضوع را کمی بیشتر پیش ببریم. حالا، من مستقیماً از طرح کلی سخنرانی شروع می‌کنم، همانطور که از چندین برگه کاغذی که آنجا توزیع کردم شروع می‌شود. حداقل، فکر می‌کنم باید در صفحه دوم به این موضوع بپردازیم.

آیا چیزی شبیه به این می‌بینید؟ اسم این متن را چه بگذاریم و چرا؟ عالی است، و دوباره، از اینجا به بعد، اگر دوست دارید کارها را به این روش انجام دهید، اینها را دانلود کنید. برای شما بهتر خواهد بود. شما با عنوان عهد عتیق برای این بزرگ شده‌اید، و اگر همچنان آن را عهد عتیق بنامید، من هم ایرادی نمی‌گیرم. من هم، همینطور، اما وقتی چیزی را قدیمی می‌نامید، این برای شما چه معنایی دارد؟ شاید اسمت را به من بگو نیک باشه. خوب، پس در واقع از اولین ایده من در اینجا الهام می‌گیری، اینطور نیست؟ خب، بیایید آن را از عهد عتیق و کل بحث الهیاتمان جدا کنیم و فقط بگوییم قدیمی. این چه معنایی دارد؟ دیروز باید یک داستان خنده‌دار را از طریق پست برای شما تعریف کنم، ضمناً، من هنوز ۶۰ ساله نشده‌ام. دارم به آنجا می‌رسم، اما هنوز ۶۰ ساله نشده‌ام. دیروز از طریق پست، این تکه کاغذ زشت را دریافت کردم که روی آن نوشته شده بود رأی‌گیری برای شهروندان مسن. می‌توانید تصور کنید که در آن لحظه کمی عصبانی شدم؟ منظورم این است که آن را دور انداختم. با خودم فکر کردم کمی به من فرصت بده. هنوز احساس نمی‌کنم که یک شهروند مسن هستم. حالا، اکثر مردم فکر می‌کنند که تو کمی از تپه عبور کرده‌ای.

یه دست دیدم اون پشت. کجا بود؟ بله. اسمت رو بگو کیت، ممنون. آره، و اغلب به نظر می‌رسه که این یه جورایی معنی ضمنی باشه، مگه نه، وقتی از اصطلاح «قدیمی» استفاده می‌کنیم، مخصوصاً وقتی که قدیمی در مقابل جدید استفاده می‌شه. بنابراین تمایل به گفتن قدیمی به این معنیه که دیگه لازم نیست بهش توجه کنیم. منسوخ شده. از مد افتاده. من از فیس‌بوک استفاده نمی‌کنم، بنابراین به شما تضمین می‌دهم که منسوخ شده، اما به هر حال، می‌دونید، جاهایی هست که قدیمی کاملاً بد نیست. فکر می‌کنم یکی از چیزهایی که ممکنه بخواید بهش فکر کنید، چیزیه که نیک قبلاً گفت، اینکه واقعاً قدیمی اینجا به معنای اصالت اولیه‌ست. پایه‌ای که جدید بر اساس اون بنا شده و این ممکنه کمی به ما کمک کنه. اسم‌ها مهم هستن.

ما اینجا در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که به جامعه یهودی نسبتاً گسترده‌ای داره، و شاید شما از زمینه‌هایی اومدید که جوامع یهودی نسبتاً گسترده‌ای وجود داره، به خاطر خودشون، آگه هیچ دلیل دیگه‌ای هم نداشته باشه، شاید اشاره به این به عنوان کتاب مقدس عبری یا عهد اول یا چیزی شبیه به اون، کمی کمتر توهین‌آمیز باشه. اما باز هم، انتخاب‌های خودتون رو داشته باشید. شما اغلب از من می‌شنوید که از عهد اول استفاده می‌کنم، که این ما را به روش دیگری برای اشاره به این موضوع می‌رساند، و مستقیماً از جامعه یهودی سرچشمه می‌گیرد.

آیا بله‌مان را گرفتیم؟ نیک، ما هم ممنونیم؟ دفعه‌ی بعد در یهودیت این را می‌فهمم. وقتی به کتاب مقدس عبری یا آنچه ما عهد عتیق یا عهد اول می‌نامیم فکر می‌کنند، برای آن اسمی دارند. این یک مخفف است. به تنخ است. گاهی اوقات بسته به نحوه‌ی نگارش، تنک نوشته KH و T همین دلیل است که تنخ مخفف مخفف نوییم است که به معنی پیامبران N. مخفف تورات است T می‌شود. اما نکته‌ی اصلی این است که مخفف کتوویم است KH یا K است و

حال، به خواست خدا، دفعه‌ی بعد، در مورد ژانرهای مختلف این متن صحبت خواهیم کرد. ما در مورد چهار بخش از درک انگلیسی ما از کتاب مقدس صحبت خواهیم کرد. اما همانطور که به سه بخش یهودی از متون مقدس آنها فکر می‌کنید، به اینها فکر کنید و سپس اجازه دهید کمی در مورد نوییم به شما سرخ بدهم. این بخش نوییم نام دارد که به معنی پیامبران است. ما در واقع نوشته‌های تاریخی و پیامبران مکتوب داریم. آیا منظور من درست است؟ آیا این بله است یا خیر؟ بسیار خوب، ما معمولاً پنج کتاب اول تورات، موسی تاریخ، انبیا، مزامیر و نوشته‌ها و غیره را به عنوان شعر در نظر می‌گیریم. اما آنها تاریخ و نوشته‌های انبیا را کنار هم قرار می‌دهند. دلیل این کار آنها این است که در کتب تاریخی، رسالت انبیا بسیار مشهود است: الیاس، الیشع، سموئیل، جاد، ناتان و غیره.

بسیار خوب، همه اینها به نوعی مقدمه است. وقتی از یکدیگر می‌پرسیدید، برخی از شما چه گفتید؟ چرا اینجا هستید؟ کسی می‌خواهد خلاصه‌ای از آنچه ده دقیقه پیش در آن بحث کوچک شنیدید، ارائه دهد؟ چرا اینجا هستید؟ چرا ما اینجا هستیم؟ چرا این متن را مطالعه می‌کنیم؟ آیا کسی به آن رسیده است؟ نام خود را به من بگویید، سوزانا، متشکرم.

خب، حالا می‌خواهی پایه و اساس رو درست کنی. باشه، خوبه. خوبه، کس دیگه‌ای هم هست؟ خب، من چند تا دلیل برات دارم.

اوه. بیایید در مورد آن یکی برگردیم. من کاملاً آگاه هستم که با توجه به اینکه کلاسی با این اندازه داریم، دلایل مختلفی برای حضور در این کلاس وجود دارد و برخی از آنها ممکن است به اندازه آن کلاس عالی باشند.

شاید دیگران صرفاً بگویند که من باید آن را بپذیرم چون بخشی از یک الزام اصلی است. من این را درک می‌کنم. اما بگذارید به شما بگویم که حتی اگر این نقطه‌ای است که الان در آن هستید، حتی اگر این نقطه‌ای است که الان در آن هستید، خدا در زمان‌های مختلف با افراد مختلف کار می‌کند. هیچ کس اینجا قرار نیست، آنچه را که باید احساس و باور کنید به شما تحمیل کند، اما بگذارید پیشنهاد کنم که حتی اگر به کاربرد زندگی مسائل متحول کننده زندگی علاقه ندارید، در حال حاضر صرفاً عمل کردن به عنوان عضوی از جامعه غربی و دانستن میراث فرهنگی خود دلیل بسیار خوبی برای پذیرش عهد عتیق است. گوته، و این در نقل قول، به صورت نقل قول و ترجمه است. گوته گفت اگر سه هزار سال از میراث خود را نمی‌دانید، دارید به زور زندگی می‌کنید. او یک شاعر آلمانی است، درست است؟ اگر سه هزار سال از میراث خود را نمی‌دانید، دارید به زور زندگی می‌کنید. بنابراین، صرفاً از نظر توسعه سواد فرهنگی شما، دانستن عهد اول بسیار مهم است.

کمی بعد به این موضوع برمی‌گردم. دلیل اساسی دوم این است: وقتی عهد اول و آنچه در آن است را مطالعه

می‌کنیم، همانطور که قبلاً سعی کردم به آن اشاره کنم، واقعاً جهان‌بینی ما را شکل می‌دهد. حالا شما یک ترم بوده‌اید، بنابراین همه چیز را در مورد جهان‌بینی می‌دانید. همه ما آنها را داریم، مسئله این است CCC کامل در که آیا آنها منسجم هستند یا خیر، آیا با هم سازگار هستند، آیا واقعاً به طور منسجم نحوه عملکرد ما را شکل می‌دهند یا خیر. بنابراین درک ما از خودمان، جامعه‌مان، جهان‌مان، تاریخ‌مان، رفتارمان و مسئولیت درک شده و تصمیمات ما. همه این چیزها می‌توانند با آنچه انجام می‌دهیم، آنچه مطالعه می‌کنیم، آنچه از نظر مقدار، زیاد مطالب عالی در عهد اول دریافت می‌کنیم، شکل بگیرند. البته

این ما را به این موردی که قبلاً ذکر شد، هدایت می‌کند که برای درک رابطه بین خدا و بشر اساسی است، که البته در عیسی به اوج خود می‌رسد، زیرا او کلمه را در جسم به ما آشکار کرده است. همه این چیزهای دیگر نیز مهم هستند. و فقط برای اینکه علاقه‌ی شما را جلب کنم، برای آن دسته از شما که ممکن است به دو و سه علاقه‌ی زیادی نداشته باشید، اما بیایید در مورد مسائل اساسی سواد فرهنگی‌مان کارهایی انجام دهیم. وقتی روایت‌های عهد اول را می‌دانید، می‌توانیم بخش زیادی از میراث فرهنگی غربی خود را درک کنیم. آیا این را می‌دانستید؟ من نه

الان دیگه خیلی درست نیست چون تو ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته، ما هیچ ارتباطی رو از دست ندادیم. نباید اینو بگم. این واقعاً اغراق آمیزه، اما ما به جورایی ارتباطمون رو با میراث فرهنگی طولانی‌مدتمون از دست دادیم

قراره به آزمون سواد فرهنگی کوچیک داشته باشیم. این خیلی کوچیکه. موضوع رامبراند اینجا چیه؟ سارا، از کجا می‌دونی؟ باشه، خوبه، خوبه. اما، آره، آگه جزئیات اولیه‌ی روایت رو بدونی، می‌تونی به جوری ازش سر دربیاری، نه؟ پیدایش ۲۲ درباره‌ی اون صحنه‌ی دراماتیکیه که فرشته تو آخرین لحظه قبل از اینکه چاقوش گوی اسحاق رو به عنوان قربانی بسوزونه، بره، جلوی ابراهیم رو می‌گیره. خب، به چیز دیگه رو امتحان کنیم. که فکر می‌کنیم چیه؟ اوئی که سمت چپه چیه؟ کسی می‌خواد حدس بزنه؟ خب، بیا به کم از هم بازش کنیم. اینا چی هستن؟ می‌تونی بگی. خجالت نکش

اینها بال هستند، درست است؟ خب. خب، این کیست؟ یک نوع فرشته، حالا چی؟ کمی پیچیده‌تر می‌شود نه؟ چون باشه، سارا، ادامه بده. بله، این یعقوب است که کشتی می‌گیرد، اینطور نیست؟ اما البته، بخشی از چالش این است، و به همین دلیل است که این یکی کمی پیچیده‌تر است. در پیدایش ۳۲، یعقوب در ابتدا با یک مرد کشتی می‌گیرد؛ در واقع، متن بارها و بارها می‌گوید انسان، اما بعد، وقتی تمام می‌شود، یعقوب چه می‌گوید؟ خدای من، من خدا را رو در رو دیده‌ام. اما هوشع در مورد کشتی گرفتن با فرشته چه می‌گوید؟ بنابراین، همه اینها در آن نهفته است. پس حق با شماست. کمی چالش برانگیز است

این یکی چیه؟ اسمت رو بگو، کاسیا، و راستی، من جمعه این‌ها رو یاد نمی‌مونه. پس جمعه دوباره از اول شروع می‌کنیم. خب، کی کیه، و از کجا می‌دونی؟ حالا به کم بحث رو عوض کن چون کی به خاطر نوازندگی چنگ معروفه؟ آره، داوود هست. اوئی که اینجاست، درست، جالبه. چی می‌بینیم؟ فقط دست‌هاش رو توی چنگ می‌بینیم. آگه داوود داره چنگ می‌زنه، این کیه؟ شائول، از کجا می‌دونی که داوود داره چنگ می‌زنه؟ چی توی دستش هست، به نوزه؟ آیا ما این روایت رو اتفاقی می‌دونیم؟ احتمالاً یکی از اون‌هایی نیست که تو مدرسه یکشنبه بزرگ شدی. تو داوود و جالوت رو داشتی؛ شرط می‌بندم، تو مدرسه یکشنبه. اینجا چه خبره؟ بله

اسمت رو بگو، کائلین. آره، سائول توسط یه روح شیطانی از جانب خداوند گرفتار شده، مگه نه؟ ما می‌دونیم که این باعث یه زوال عقل وحشتناک براش شده، و داوود رو آوردن پیشش تا چنگ بزنه. البته. سائول واقعاً حسودیه. اون به طرز پارانوئیدی به داوود حسادت می‌کنه، و گهگاهی هم سعی می‌کنه اونو بزنه. نوزه سلاح مورد علاقه سائوله. در ابتدا، خیلی جذابه

خب، بیایید یکی دیگر انجام دهیم. وقت داریم. من این یکی را دوست دارم. آیا شما اینجا فارغ التحصیل ، موسیقی دارید؟ او، موش‌ها، هیچ رشته موسیقی. بله، شما فوق‌العاده هستید. اسم شما چیست؟ ملانی پس آیا می‌خواهید در هر چیزی که الان در آن هستید گیر کنید؟ هر کسی می‌تواند یک نفر را نام برد. مری. من دو نفر را در این کلاس می‌شناسم.

بفرمایید، مسیح هندل. عالی، این همونیه که همه ما به ذهنمون می‌رسه، درسته؟ کسی می‌خواد حدس بزنه، که چه کسی دیگه‌ای ممکنه موضوع یکی از اوراتوریوهای هندل، یکی از شخصیت‌های عهد عتیق باشه؟ خب این مسیحه. به جزئیاتش نگاه کنید، حدس بزنید چیه؟ بیشتر از چهار تا هست. بیایید بهش نگاه کنیم. سامسون، یترون، یترون کیه؟ اون یکی از داورهاست، مگه نه؟ سامسون هم همینطور.

خب، بیایید مورد بعدی رو بررسی کنیم، اسرائیل در مصر. شائول، سلیمان، استر، بلشصر، یوشع، دبور، یوسف، و برادرانش، نابال، جدعون، و یهودا مکابی. می‌دونم که مستقیماً از عهد اول نیست، اما اون دوره زمانی بین عهدین هست که هندل در مورد همه این چیزها نوشته. جذاب نیست! و اتفاقاً مخاطبانش از اونی که می‌نوشت قدردانی می‌کردند.

بسیار خب، در مورد فرهنگ اینجا کارهای زیادی برای انجام دادن هست، اما البته، این فقط مبانی اولیه است. اگر فعلاً به اندازه کافی آزمون فرهنگی دارید، آیا آماده‌اید ادامه دهید؟ بسیار خب، نه فقط اشکال هنرهای تجسمی، شاهکارهای موسیقی، آثار بزرگ درام و ادبیات. جان میلتون بخوانید، شکسپیر بخوانید. کل زبان این افراد در واقع با زبان مقدس آمیخته شده است.

بدیهی است که اصول فقه ما با به‌روزرسانی دوباره رایانه‌مان مسدود می‌شود. آیا کسی هست که بشمارد ببیند، این بار واقعاً چند بار این کار را انجام خواهیم داد؟ الان پنج بار شده، درست است؟ و خود تار و پود زبان ما شاید الان دیگر خیلی زیاد نباشد. در نسل گذشته نوعی تغییر لرزه‌ای در فرهنگ رخ داده است. اما اگر پدر بزرگ و مادر بزرگی دارید که در کلیسا بزرگ شده‌اند، گاهی به آنها گوش دهید. نحوه صحبت کردن آنها منعکس کننده کتاب مقدس است، اگر با این کتاب مقدس آمیخته شده باشند. مادر بزرگ من که در سن ۹۹ سالگی درگذشت و ۸۰ سال از آن سال‌ها مؤمن بود، با کتاب مقدس صحبت می‌کرد. منظورم این است که او می‌توانست درباره آشپزی در آشپزخانه صحبت کند، و این فقط با این آهنگ و زبان کتاب مقدسی از آب درآمد. تار و پود زبان ما با این نوع چیزها عجین شده است، دنبالش بگردید.

خب، می‌خوای درس بخونی؟ بیا با هم از این کلاس لذت ببریم، اما این همه ماجرا نیست. یه سری مبانی الهیاتی پایه، کمی بیشتر به اون چیزی که قبلاً گفتم می‌پردازه. گاهی اوقات این تصور رو داریم که با شناخت عیسی، خدا رو بهتر می‌شناسیم، و من به هیچ وجه این رو رد نمی‌کنم، حتی یه ذره هم، چون البته کلمه جسم گرفته چیزیه که تمام عهد اول واقعاً منتظرش هست. اما با این اوصاف، با مطالعه عهد اول، یه حس فوق‌العاده عمیق از اینکه خدا کیه، به دست میاری. برای مثال، تنها کاری که باید انجام بدی اینه که مزامیر رو بخونی، چون مزامیر همه چیز رو در مورد شفقت، عشق، بخشش، عدالت و خشم خدا به ما می‌گه. صفات خدا وقتی مزامیر رو می‌خونی، با تمام قدرت وجود دارن و ما اونا رو در سراسر عهد اول می‌بینیم. خدا و قدوسیتش. خدا و عظمتش.

و بنابراین، وقتی تکالیف این کلاس رو می‌خونی، دعا کن که خدا واقعاً از طریق متنی که می‌خونی، خودش رو بیشتر بهت نشون بده. ما همچنین کمی بیشتر در مورد اینکه ما کی هستیم یاد می‌گیریم. راستش را بخواهید، جمعه قرار است کمی به این موضوع پردازیم. نه، متأسفم. هفته‌ی آینده است.

ما این کار را خواهیم کرد. امیدواریم اگر در کلیسا بزرگ شده‌اید، کمی وقت اضافی برای فکر کردن به این چیزهایی که بخش بزرگی از زبان ما هستند، داشته باشیم. بله، ما می‌دانیم که در حال خلق تصویر خدا هستیم.

گاهی اوقات این تصویر خیلی راحت از ذهنمان می‌گذرد، بدون اینکه به معنای واقعی آن فکر کنیم. اینکه از نظر ظرفیت‌ها و پتانسیل ما برای انتخاب، دانستن، احساس کردن، قدردانی از زیبایی و همه این چیزها چه می‌گوید. اگر می‌خواهید چیزی جالب بخوانید، و

«به خصوص ملانی به عنوان یک موسیقیدان، کتاب فوق‌العاده‌ای از جورج اشتاینر به نام «حضورهای واقعی است که در آن او در مورد چگونگی تجربیات زیبایی‌شناختی و به ویژه موسیقی صحبت می‌کند. او در مورد سایر اشکال هنری نیز صحبت می‌کند، اما به ویژه موسیقی. نحوه تجربه موسیقی و ظرفیتی که ما برای تجربه موسیقی داریم، همانطور که اشتاینر می‌گوید، واقعاً در مورد یک حضور واقعی صحبت می‌کند، زیرا موسیقی چیزی است که فراتر از چیزهای پیش پا افتاده و اینجا و اکنون است. چیزی عمیق در مورد موسیقی وجود دارد و این گواهی بر خالق این اشکال زیبایی‌شناختی شگفت‌انگیزی است که ما داریم».

بنابراین، تصویر خدا، رفاقت، و ارتباط و مشارکت اجتماعی را باید با او بگویم. اما البته، در کتاب مقدس عهد اول است که ما تراژدی طبیعت سقوط کرده بشر را می‌آموزیم. در واقع، وقتی روایت‌های بنی‌اسرائیل را مطالعه می‌کنید، گمان من این است که شما مانند هر کلاس دیگری از دانش‌آموزان عهد اول خواهید بود که اعداد را خوانده‌اند، و آنها داوران را خوانده‌اند، و ما به نوعی روی پاشنه‌هایمان می‌نشینیم و می‌گوییم وای، این درست مثل من به نظر می‌رسد.

بسیار خوب، ما واقعاً درک می‌کنیم که چقدر به رستگاری نیاز داریم وقتی برخی از این روایت‌ها را در حالت فساد و بیگانگی از خدا در عهد اول می‌خوانیم.

سپس، البته، این ما را به کل ایده عهد هدایت می‌کند. عهد، همانطور که بعداً خواهیم گفت، ابزار خدا برای بازگرداندن رابطه بین بشر سقوط کرده و خودش است. بنابراین، اینها دغدغه‌های الهیاتی ما خواهند بود. بیایید فقط دو کار دیگر انجام دهیم.

امروز کمی زودتر جلسه را متوقف می‌کنیم که احتمالاً از این بابت سپاسگزار خواهید بود. این اتفاق فقط یک بار دیگر در این ترم رخ خواهد داد، مگر اینکه اتفاق ناخوشایندی رخ دهد.

اما دو دلیل دیگر وجود دارد که ما برای این موارد به عهد جدید خواهیم پرداخت. بنابراین اگر کتاب مقدس خود را دارید، به اول قرن‌تین ۱۰ مراجعه کنید. پولس اینجا کاری را انجام می‌دهد که معمولاً پولس انجام می‌دهد. کسانی از شما که عهد جدید خوانده‌اید، به خوبی می‌دانید که پولس به عنوان یک خاخام آموزش دیده بود، به این معنی که او تمام متون عهد اول را از ابتدا تا انتها، به طور کامل و دقیق می‌دانست و می‌دانست چگونه انواع ارتباطات و اتصالات را بین این متون برقرار کند. بسیار خوب، پولس فقط از جای دیگری به این موضوع نمی‌پردازد. پولس به عنوان کسی که در یک پیشینه خاخامی آموزش دیده است، با کلام خدا عجب شده است.

بنابراین، به آنچه او در فصل ۱۰ می‌گوید توجه کنید، و من واقعاً آیات ۱ تا ۱۳ را می‌خوانم. اگر در کلیسای بزرگ شده‌اید که بر حافظه تأکید داشته است، شرط می‌بندم که آیه ۱۳ را حفظ کرده‌اید. خوب، بیایید ببینیم قبل از آن چه چیزی آمده است. نمی‌خواهم از این حقیقت غافل باشید برادران و خواهران، اجداد ما به عبارت دیگر، بنی‌اسرائیل، همگی زیر ابر بودند و همگی از دریا عبور کردند. البته، این تصاویری از چه تجربه بزرگی را به یاد می‌آورد؟ زیر ابری که از دریا عبور کرد. چلسی، بله، این تجربه خروج است، اینطور نیست؟ این تجربه تعیین‌کننده برای تمام تاریخ اسرائیل است، همانطور که خواهیم دید. این تجربه تعیین‌کننده است و البته الگویی را برای آنچه ما در بره عید فصح خود که به هر حال عیسی بود، تجربه می‌کنیم، فراهم می‌کند.

بیاید ادامه دهیم. آیه ۲ «همه آنها در ابر و در دریا به موسی تعمیم یافتند» به نوعی این را تکرار می‌کند و از آن اصطلاح جذاب تعمیم در رابطه با عبور از آب‌های دریا استفاده می‌کند. همه آنها یک غذای روحانی خوردند»، که می‌توانید آن را فریاد بزنید «مَتَّ». «آنها یک نوشیدنی روحانی نوشیدند. آنها از آن صخره روحانی که همراهشان بود نوشیدند و آن صخره مسیح بود.

یک مطالعه‌ی خاخی وجود دارد، نباید بگویم مطالعه، بلکه میدراش، می‌دانید که برداشت از کتاب مقدس در واقع در مورد صخره‌ای صحبت می‌کند که هنگام خواندن خروج با آن مواجه خواهیم شد، صخره‌ای که قوم را دنبال می‌کند. خوب، حالا این می‌تواند مبنایی برای چیزی باشد که پولس می‌گوید وقتی می‌گوید صخره مسیح بود.

با این وجود، خدا از اکثر آنها راضی نبود. اجساد آنها در بیابان پراکنده شد. اگر روایات خود را بشناسید، این را می‌دانید.

اما به آیه‌ی ۶ توجه کنید، این چیزها به عنوان مثال اتفاق افتادند، این عبارتی است که او دو بار از آن استفاده خواهد کرد. انواع غلط‌های املاپی کلمه‌ی یونانی در اینجا است. این چیزها به عنوان مثال اتفاق افتادند تا ما را از تمرکز بر چیزهای شیطانی مانند آنها باز دارد.

بنابراین، به عبارت دیگر، وقتی این متون را دوباره می‌خوانیم، قرار است آنها را بخوانیم و جذب کنیم و بگوئیم، وای، فکر می‌کنم قرار است از کاری که بنی‌اسرائیل در این زمینه‌ی خاص انجام می‌دهند چیزی یاد بگیریم. آنها برای ما نمونه هستند.

کلمه‌ای وجود دارد که من بارها و بارها در این کلاس از آن استفاده خواهم کرد. بنابراین بهتر است به آن عادت کنید. حالا به آن پیشگویی می‌گویند، که یک پیش‌بینی است. پیشگویی یک پیش‌بینی است، و ما شاهد پیشگویی‌های متعددی خواهیم بود. گاهی اوقات در خود عهد اول، اما اغلب اوقات عهد اول مشتاقانه منتظر عیسی است. به هر حال، این چیزها به عنوان نمونه‌هایی رخ داده‌اند تا ما را از تمرکز بر چیزهای شیطانی باز دارند. آیه هفت: بت‌پرست نباشید. برخی از آنها همانطور که نوشته شده است بت‌پرست بودند. مردم نشستند تا بخورند و بنوشند و به عیاشی بت‌پرستانه پرداختند. البته این همان وضعیت غم‌انگیزی است که آنها گوساله طلایی را ساختند. ما نباید مرتکب فساد جنسی شویم، همانطور که برخی از آنها انجام دادند و در یک روز ۲۳۰۰۰ نفر از آنها مردند. یک حادثه وحشتناک.

آیه ۹: ما نباید خداوند را آزمایش کنیم. حالا آن یکی کاملاً فجیع نیست. منظورم این است که اکثر ما دوست داریم بگوئیم، اوه، خوب، من بت‌پرست نیستم و درگیر فساد جنسی سکولار نیستم. اگرچه اگر خطبه بالای کوه را بخوانید، احتمالاً ما هم همینطور هستیم. اما به هر حال، آزمایش کمی بیشتر به ما نزدیک است.

و سپس، به آیه 10 نگاه کنید: و مانند برخی از آنها غر نزنید و توسط فرشته هلاک کشته شدند. همه این چیزها به عنوان نمونه برای ما هستند، که دقیقاً همان چیزی است که پولس در آیه 11 می‌گوید. این اتفاقات به عنوان نمونه برای آنها رخ داد و به عنوان هشدار برای ما نوشته شد، زیرا البته ما انسان هستیم و به هشدار نیاز داریم.

ببخشید، پس اگر فکر می‌کنید محکم ایستاده‌اید، آیه 12، مراقب باشید که نیفتید. و سپس آیه‌ای که گمان می‌کنم تعدادی از شما آن را حفظ کرده‌اید: هیچ وسوسه‌ای شما را نگرفته است، مگر آنچه برای انسان معمول است، اما خدا امین است. او اجازه نمی‌دهد شما یا ما بیش از آنچه می‌توانیم تحمل کنیم، وسوسه شویم. وقتی وسوسه می‌شویم، خدا راه خروجی فراهم می‌کند تا بتوانیم در برابر آن بایستیم.

اما به زمینه قبلی در مورد وعده وفاداری خدا برای نجات ما از ماهیت غالب و سوسه‌ها توجه کنید، زیرا ما نیز مانند بنی اسرائیل و سوسه می‌شویم. خب، این اولین چیزی است که باید به عنوان دلیل دیگری برای مطالعه که مستقیماً از پولس می‌آید، در نظر بگیرید.

دلیل بعدی این است و آن دلیل هوشیارکننده‌ای است، درست است؟ من همین الان خواندم که این دلیل، هوشیارکننده‌ای است. دلیل دیگری هم وجود دارد. و در اینجا، از شما می‌خواهم که به دوم پطرس فصل ۱ یک فصل شگفت‌انگیز دیگر برای مطالعه، برای حفظ کردن، مراجعه کنید. اما اجازه دهید این را بخوانم، و می‌خواهم فراتر از آیات ۳ و ۴ بروم، اگرچه آنها نقطه شروع خوبی هستند. پطرس می‌گوید قدرت الهی خدا هر آنچه را که برای زندگی و خداترسی نیاز داریم به ما داده است. بیایید یک بار دیگر از این موضوع خلاص شویم. من به این موضوع بسنده می‌کنم زیرا خواندن آن واقعاً آسان است. یکی از کارهایی که در این ترم شما را به انجام آن تشویق می‌کنم این است که هنگام خواندن کتاب مقدس، عینک دودی خود را بردارید و مکث کنید و واقعاً در مورد آنچه می‌خوانید فکر کنید. قدرت الهی خدا هر آنچه را که برای زندگی و خداترسی نیاز داریم به ما داده است. کسانی از شما که عهد جدید را خوانده‌اید، امیدوارم هنگام مطالعه آن به این نکته توجه کرده باشید. این نکته بسیار قابل توجه است و خدا واقعاً قابل اعتماد است.

بنابراین، باید فرض کنیم که وقتی او این را می‌گوید، هر چیزی که ما نیاز داریم، حتی در زمینه‌ای که من و شما در آن زندگی می‌کنیم، درست است، که از نظر تلاش ما برای خداترس بودن، یک تله است. هر چیزی را که برای زندگی و خداترسی نیاز داریم به ما داده است. اما توجه کنید که چگونه کار می‌کند. فقط به آنجا داده نشده است. از طریق شناخت ما از او که ما را خوانده است، شناخت ما از او که ما را به جلال و نیکویی خود خوانده است.

و سپس آیه ۴: از طریق اینها وعده‌های بسیار بزرگ و گرانبه‌ای خود را به ما داده است. وقتی همه چیز را اینجا خلاصه می‌کنم، عالی به نظر می‌رسد، وعده‌های بزرگ و گرانبه‌ای، می‌دانید، متمرکز است. منبعی برای این چیزها، برای این زندگی و تجارت خداترسی وجود دارد. او وعده‌های بزرگ و گرانبه‌ای خود را به ما داده است. بنابراین، از طریق آنها ممکن است بتوانید در طبیعت الهی شرکت کنید.

به عبارت دیگر، مسیح در ما، این چیزی است که به ما وعده داده شده است، مسیح در ما، مسیح ساکن، کلام روح القدس نیز ساکن. ما می‌توانیم در طبیعت الهی شرکت کنیم و از فساد در جهان ناشی از خواسته‌های شیطانی فرار کنیم.

حالا، من به خواندن ادامه می‌دهم چون پطرس در این مرحله یک جمله بسیار کاربردی می‌گوید که به نوعی معادل پطرس برای غلاطیان ۵ و میوه روح است. می‌دانید، عشق، شادی، آرامش و غیره. به این یکی، به این لیست نگاه کنید: تمام تلاش خود را بکنید تا به ایمان و خوبی خود بیفزایید. این یک تمرین است. این مربوط به زمانی است که با انتخاب‌ها روبرو می‌شوید، انتخاب درست در مقابل نادرست. وقتی همه مردم بالای تپه تصمیم می‌گیرند شب جمعه کاری را انجام دهند که اغلب انجام می‌دهند، شما تصمیم می‌گیرید که آن را انجام ندهید.

بسیار خوب، به ایمان، خوبی، خوبی، دانش خود اضافه کنید، انجام این کار به تلاش زیادی نیاز دارد. احتمالاً کاری که ما در ترم بعدی اینجا مشغول آن هستیم، به دانش و خویشن‌داری مربوط می‌شود. آخ، همه ما به کمی تمرین در این مورد نیاز داریم. پطرس می‌گوید این چیزها را اضافه کنید، خدا فقط چک سفید امضا و وعده‌های بزرگ و گرانبه‌ای را به شما نمی‌دهد. انتظاراتی هم وجود دارد که با آن همراه است.

برای خوب شدن داری، پشتکار، برای خدا ترسی، برای خدا ترسی، مهربانی برادرانه، و برای مهربانی برادرانه، عشق این یک لیست کوچک چالش برانگیز است و امیدوارم با هم به بررسی مواردی بپردازیم که در این مسیر به ما کمک می کند. به عنوان مثال، کتاب امثال، و دکتر هیلدبرند می تواند همه چیز را در مورد کتاب امثال برای شما بگوید، نکات بسیار کاربردی در مورد انتخاب هایی که ما انجام می دهیم و مسائل مربوط به شخصیت سازی دارد.

به هر حال، بگذارید این را تمام کنم: اگر این ویژگی ها را به طور فزاینده ای داشته باشید، آنها شما را از ناکارآمدی و بی ثمر بودن در شناخت پروردگاران عیسی مسیح باز می دارند. گاهی اوقات، ما احساس ناکارآمدی و بی ثمر بودن می کنیم، و خواهیم بود مگر اینکه واقعاً مشتاق به کارگیری برخی از این موارد باشیم. اگر کسی آنها را نداشته باشد، نزدیک بین و نابینا است و فراموش کرده است که از گناهان گذشته خود پاک شده است بنابراین، برادران و خواهران، مشتاق تر باشید، مشتاق باشید که دعوت خود را به یک انتخاب قطعی تبدیل کنید. اگر این کارها را انجام دهید، هرگز سقوط نخواهید کرد و به پادشاهی ابدی خداوند و ناجی ما عیسی مسیح، با آغوش باز خوشامد خواهید گفت.

چه وعده ی عظیمی. بیایید آن را جدی بگیریم. سوالی دارید؟ همانطور که گفتم، به استثنای ۲۶ ژانویه که دوشنبه است، این آخرین باری است که زودتر از موعد توقف می کنیم. سوالی، نظری؟ عالی بود، جمعه می بینمتان.